

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سوله محمد وآله
اجمعيين ^ص اين جزو ورقى در بيان فضائل يكه يكه
ترجمه كرده شد از رساله شيخ جين بصرى قدس سره العزيز
نماند كه در هر كلام ملك علام زياته است
جاء ذكر اين بلفظيه و اين كعبه مشرفه زاده اشرفا
واقع شده كه شروع در ان ايات و تفسير كرده مى شد
تخت طول و الجاميد بنا بر ان اختصار كرد تا در خواندن
و نوشتن موجب زهد شود و الله الموفق للمعين بيان
معاني بعضى احاديث كه در فضيلت كعبه شرفه و اهل كعبه وارد
سده ذكر كرده مى شود در هر يك كه در هر دو صحت
جون انكه بدنيه آنسرو صلى الله عليه و آله متوجه مى شد در

ناودان که عبادت ارحم المیزان است

فمود که بدست کسی که نزدیک دکن بیانی در می از دلهای بشت و

زودیک بحر الاسود نیز در می از دلهای بشت است و هیچ احدی

دعا کند نزدیک بحر الاسود که خدای تعالی سحاب بگرداند

دعاها را برایش است و در نمی نهد و او را که به نیت سحاب است

فمود که هر که در هر که شرفه میرد جان باشد

که در آسمان دنیا مرده باشد و هر که در یکی از این حرمین

مرده باشد در حالی که احرام حج و عمره سرده باشد و سحاب

و تعالی او را در قیامت برانگیزد بصورت نیکو و زیان

پنجاب به بشت بود و فمود که

هر که در مضاف در هر که روزه دارد دهد خدای تعالی او را

هزار بار روزه که در غیره که داشته باشد و دو رکعت نماز

در حرم کعبه گذارد ثواب او برابر هزار رکعت نماز است

که در غیره که گذارد باشد و اگر جماعت گذارد ثواب او را

هزار رکعت نماز است که در غیره که گذارد باشد و هر که یک

درد در که چهار شود خدای تعالی حرام گردانند تن او را بر آتش
دو روح و هر که صبر کند بر گزافی که یک ساعت دود گرداند خدا
تعالی او را از آتش دوزخ هزار ساله راه و نزدیک گردانند
او را به بهشت عنبر بهشت بسا که مکه و مدینه باک میکرد اند
مردمان را خانه که کار جهان را را بید که در که محبت و رحمت
نیز در غیر این مکان در هر جا که باشد محبت بسیار است و رحمت
ثم بن هر که صبر کند بر سختی که مشرفه و مدینه محترمه من که محمد
در قامت او را شفاعت کنم در آن روز که هر کس در مانده جان
خود باشد و در کار خود حیران شده باشد و بداند که
اهل که تمسایک این خانه خدایند و نیکوترین وادیها وادی
حضرت ابراهیم است و آن وادی عبادت است از که مشرفه
در که که نماز کند در برابر حجر الاسود یاد در برابر کعبه ^{شک} بلا
از کناهان پاک شود و بهتر حال جاها و زمزم است هر کس
بر سر جاها و زمزم رفته لب خود را بد و نهد و بطریق است
آب خورد جدا که شکم افیرون آید از برکت آن آب ^{کند} پاک

خوشخانه و تلخ دیده را و را از عام علمها و مردم را برست
نخورد و براد خود بوسد و مگر ^{خیر} ^{علیه} ^{سلام} و خود که
کس نظر کند بجای که از برای طلب حیات ثواب بسیار در
اعمال او نویسد و پوشکان از برای او آتش و خاک خواهد
از خدای تعالی و از هوای اقیامت در میان خدای تعالی باشد
و ^{خیر} ^{علیه} ^{سلام} و خود که هر که در هر که در محمد حرام یک
وقت نماز گذارد از بهر ثواب خوشخانه و تلخ هر روز در راه
اعمال او نویسد بخیر و رعایت خود و ^{خیر} ^{علیه} ^{سلام}
و خود که آنها که حج و عمره می آورند بدستی که ایشان ندانند
خاص خدایند هر چه میخواهند از حق تعالی بایشان عطا می
کند و دعای ایشان را در حق خود و غیر خود مستجاب گردانند و
البته نفقه کنند در راه حج بعضی هر چه خوشخانه و تلخ
هزار درهم کرامت و ^{خیر} ^{علیه} ^{سلام} و خود که همان
خدای که جان محمد و رقبه قدرت است که هر که بگوید
حاجیان در راه حج و عمره گویند تمام بیان سنگهای

که در راه حج و عمره است یافت ایشان بکس و تمیل گویند و از
حضرت حق سبحانه و تعالی آموزش خواهند از برای آنکه
صلی الله علیه و آله فرمود که آنکه از عمره تا عمره دیگر از آن کس در وجود
آید حق تعالی بنایت و کرم خود بچشد ^{و هر کس که از عمره تا عمره دیگر از آن کس در وجود}
و فرمود که آنکه از عمره تا عمره دیگر از آن کس در وجود
و بر او خدای تعالی نفقه کند بشش از من آوردند که کردند
و در آخرت بعد دهد رهنمی صدیقی در راه اعمال او ثبت
نمایند و صد بدی دور کنند سوگندیان خدای که چنان
محمد در قبضه قدرت اوست که بوزن هر رهنمی از جمل اقی
کران تو بود و باشد ^{و هر کس که از عمره تا عمره دیگر از آن کس در وجود}
نظر کند بجا کعبه بی آنکه طواف کند یا نماز گذارد افضل است
نزد حق سبحانه و تعالی از عبادت یکساله که در غیره که بود باشد
و هر ^{و هر کس که از عمره تا عمره دیگر از آن کس در وجود} آنکه از عمره تا عمره دیگر از آن کس در وجود
که مراد او کعبه بوده باشد از برای تعظیم خدا و رسول خدا
حق سبحانه و تعالی بدهد او را ثواب کسی که حج و عمره بجای آورده

و اول نظری که حق تعالی بر بندگان خود می اندازد اهل که اند
خواه در نماز باشند خواه استقبال قبله نشسته باشند یا
بیاورند بر ایشان رحمت فرستد و شکنان گویند یا نه
هنوز رحمت باقی مانده است و کس نماند مگر آنکه در خوابند
و مان در سجده که باقی را بایشان قلم کند و در سجده
و مود که هر که رمضان را در یک روزه دارد در حرم
کعبه تراوح گذارد دهد خدای تعالی ثواب هزار ماه رمضان
که در غیره که داشته است و بدهد او را بعد از هر روز
توشعائی و در چرخ در بهشت از برای او بکشایند و بعد
هر ساعت ثواب بنده که در راه رضای حق تعالی آزاد کرد
باشد بدهند و ثواب سواره که در راه حق تعالی و تعالی
غرات کرده باشد در راه حق تعالی و مود که
مجاورت مکه شرفه سوار است و بیرون رفتن شقاوت
یعنی اختیار به بطلب دنیا بی ضرورت و علم الحرام
صلی الله علیه و آله و مود که هر که طواف کند کرد کعبه

در روز تابستان در کرمای سخت سر برهنه و در هر وقت
بجای سود که رسد بوسه کرده روان شود خاک که در چین
بوسه کردن از آری یکی نرسد و در طواف غیر از آن که خدا چهری
دیگر نکوبد بدهدا و را خدای تعالی بعد از هر کام هفتاد
هزار حسنه در آخرت و هفتاد هزار بدی از نامه اعمال
آورد و بکنند و هفتاد هزار حسنه و هفتاد هزار بدی که فضل
حاجی که بیاده حج و عمره کرده باشد بر آنکسان که سواره
آورده باشند خاست که ماهتاب شب چهارده بر
دیگر و هفتاد هزار حسنه و هفتاد هزار بدی که هر کس سواره حج
و عمره بجای آورد بهر کامی هزار حسنه از حنات حرم
در نامه اعمال او ثبت فرمایند و حاجی بیاده را هفتاد هزار
حسنه امهات میدهند یا رسول الله حنات حرم
فرمودند که یک حسنه از حنات حرم افضل است از صد
هزار حسنه که غیر حنات حرم بلکه مشرفه بوده باشد
و هفتاد هزار حسنه و هفتاد هزار بدی که هر کس

عاری باشد و باید در ماه مذکوری کرده باشد و با آنکه
که در کعبه طواف کند و باشد و هم در هر یک از اینها و هم
و مود که طواف کعبه در آنست در حقیقت در جوار رحمت
حق سبحانه و تعالی بدست او که خدای تعالی مباحات طواف
کنند کان کندش ملائکه و هم در هر یک از اینها و هم و مود
که اگر در کعبه هفتاد هزار ملائکه اند که بطواف کنندگان
امرزش میخواهند و دعای خیر میکنند و هم در هر یک از اینها
و هم و مود که هر کس طواف کند که در کعبه هفتاد
نای تعالی مختار سازد او را که هفتاد کس از خویشان و
او بای خود را شفاعت کند و اگر از سایر مسلمانان را شفاعت
کند شفاعت او را در حق ایشان قبول کند و هم در هر یک از اینها
و هم و مود که هر کس که در ماه رمضان عمره آورد
باشد که همراه من حج کرده باشد و هم در هر یک از اینها
و مود که هر کس که در هر یک از اینها باشد که در اینها
سیم حج و باشد و هر کس که در مدینه منوره بخواند باشد که

در آسمان دوم مرده باشد و هر کس که در بیت المقدس
جان باشد که در آسمان اول مرده باشد و هم از حضرت
نعمت و فرموده که برانگیز اند حق سبحانه و تعالی از کوتاهی
که هفتاد هزار شهید که بچایب در بهشت در آیند و در
ایشان چون ماه شب جماد و تابان بوده باشد و
از ایشان هفتاد کس را شفاعت کند از خویشان و غیر
ایشان برسیدند که یا رسول الله ایشان چه کسانی باشند
فرمودند که ایشان غریبان باشند و هم از حضرت
فرموده که هر کس در یک درآید در جوار رحمت حق سبحانه و تعالی
در آید و چون بیرون رود آفریده بیرون رود و هم از حضرت
فرموده که نیست علی فاضلتر از حج پسندید
بزد خدای تعالی و فرمود که هر کس حج کند و جماع و ذکر آن
نکند و خشر نکوید جان باشد که حالا اراده در متولد
باشد هم از حضرت فرمود که خدای تعالی صد
رحمت هر روز یکجه میفرستد شصت و نوبی طواف کند کان

و جل از برای غار گذاران و بیت از برای آنانکه نظری
بکعبه و نظر کردن بکعبه عبادت و در قیامت حشر نظر کنندگان
باینکجهان کند و خدای تعالی انکس را و اهل او را از عذاب
دوزخ جنات دهد و موده که هر کس صبر کند بر کرمای مکه
یک ساعت صد ساله راه آتش دوزخ از او دور باشد و او را
بدوزخ کار نباشد و هر کس در راه دوزخ موده که
هر کس یک روز در کعبه بپا نشود بنویسد حق سبحانه در نامه اعمال او
حنات بسیار و از کناه پاک شود و در آخر عمر صلی الله علیه و آله
و سلم و موده که حجر الاسود دست راست خدی تعالی است
بس هر کس بوسه کند یا دست بر آن نهد خافست که با جد
تعالی مصافحه کرده باشد چنانکه برادران مؤمن بایکدی می
و هر کس که بیت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و سلم در نیفت
بعد از آن حجر الاسود دست دسائید بدیشی که بیت
با خدای عز و ول او کرده باشد دم حضرت صلی الله علیه و آله
داده که حجر الاسود و مقام ابراهیم علیه السلام در محراب

وگویی صد برای آنکسانی که ایشان را دریافته باشند و و
بعد از ابراهیم علیه السلام کرده باشند و در آن وقت که
راج خوانده ^{و حضرت علی علیه السلام فرموده که ای مسلمانان}
طواف بسیار کنید بش از آنکه در میان شما منع حایل شود
گویا که من می بینم پس کج دست نشسته یک کسک می کند و هم
^{حضرت علی علیه السلام فرموده که هر کس برای مردی حج کند بی آنکه}
وسیت کرده باشد بنویسد خدای تعالی از برای مردی حج
و از برای حج کنند ^{و شش} هفتاد حج و شش ^{صبر} صبر قدسی
المرتضی فرموده که نمیدانم هیچ شهر را بروی زمین که
که نیت خیر کند یکی اصد هزار نویسد ^{لا} لا که مشرف و ^{نقشه} نقشه
هج شهر ^{بمیدانم} که در و شراب را و عسلی اختیار بوده ^{شد}
غیر از که مشرفه پر رسیدند که شراب را را کد است گفتند
ابرار از حرمت و مصلای اختیار تحت الیزاب و هم وی گفته که
نمیدانم هیچ شهر را بروی زمین که حق سبحانه و تعالی امر کرده
باشد رسول خود را که فلان جای را جای نماز کن ^{لا} لا که آنجا که

فرموده که **وَالْحَذُّ وَالْإِنْقَامُ إِلَيْهِمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ**
الله علیه و آله فرموده که نمیدانم هیچ شهری را در روی زمین که
کسی ضرر را بر او رساند این کند گناه او پاک شود الا که خاکه کبر
در خانه خشک میریزد گناه او بریزد و آری صاحب دین
و بوسیدن حجر الاسود و رکن عیانی است **وَمَنْ لَمْ يَمْسَسْهُ**
الله علیه و آله فرموده که بوسیدن حجر الاسود و رکن عیانی
تمام پاک میکند **وَمَنْ لَمْ يَمْسَسْهُ** و فرمود که هیچ شهری
که در زیارت برخیزند از و اینها الا که شرف و هر روز
روح و رواج از برای اهل که آن مقدار فرود می آیند
عددش را بجز خدای کس نداند **وَمَنْ لَمْ يَمْسَسْهُ** و فرمود
که هیچ شهری نمیدانم در روی زمین الا که شرف که در باره
جای وی دعاء استجاب شود **وَلِكُلِّ رُكْنٍ رَتَبَةٌ** که نظرش محاط
افتد هر عا که در استجاب شود و نزدیک حجر الاسود **وَمَنْ لَمْ يَمْسَسْهُ**
حق الزرایحیم نزدیک رکن عیانی **وَمَنْ لَمْ يَمْسَسْهُ** میان حجر الاسود
حضرت ابراهیم علیه السلام هفتم درون خانه کعبه در هر جای که باشد

درین مقام ابراهیم علیه السلام هم در حلیه و هم در عیبه و هم در مقام
در صف و هم در رتبه و هم در رتبه و هم در رتبه و هم در رتبه و هم در رتبه
که زمین مشرک و حرام آید و در عیبه و هم در عیبه و هم در عیبه و هم در عیبه
الفریقه است که غیبت داند این موضع را که درین جاها
بلا شکر دعاست حاج شود و درین مآلها از برای پدر و
و برادران و خویشان و خواهران و از برای هر که خواهند
خواهند و مغفرت بیند و جرم کند در عا و از برای فحش و
خضوع که چون از که پرون روید از بکت این ایکنه مشرک
و از من صد سه تحرم نمایند و گویند در این مقام ابراهیم
مکتوب است که منم الخدایی که غیر من خدایی نیست و نخواهد بود و
لا شکر له و منم آن پروردگار که حرام کرد دام روزی که
آسمانها و زمینها را آفریده ام که را نهاده ام در میان این دو
و هفت فرشته را گذاشته ام که در آنکه معظمت من را بگویند
فرموده که هر شهر را از نام که تمام انبیا آمده اند الا که مشرفه که تمام
انبیا آمده اند در میان یکدیگر بعضی درین مقام با احترام مرده اند

و آسوده اند و خواب کردند در که منظره غامضی است
چهارم ای دیگر در آن شهر است و نامش دمنده که هر که در یکی از
چهارمین شریفین مجاور باشد در هر صاف قیامت در آن
باهیبت که تمام او را و لب او را هفتاد و عابدان و تمام
خلوایین و اشرافین مانند جان خود باشند در آن و او را
شعاع کنیم تا از آتش دوزخ خلاص یافته هشت عشر است
پنجاب در آید و هم آن شهر است و نامش دمنده که هر که
الابوی مسجد اول بوی مسجد الحرام دوم مسجد
سیم مسجد اقصی و یک کعبه را در که مشرفه برابر صد هزار
نماز است که در جاهای دیگر گذارند و یک نماز در مدینه
برابر پنجاه هزار و یک نماز در مسجد اقصی یا بعد نماز
در جای دیگر گذارند و شح حسن بصری قدس سره العزیز
گفته که شهر را بنیام که در هر ای هشت در وی زمین سوی
او کشاده باشد را لا مکة مشرفه که یک نماز از آنها نزدیک
در که است و یکی نزدیک حلب و یکی است و یکی نزدیک کن

نہایت زیادتی کرکے

و یکی نزدیک جبرائیل است و یکی در عقب مقام ابراهیم علیهما السلام
و یکی نزدیک جاهد زمزم و یکی نزدیک صفاست و یکی نزدیک
مروه است و هیچ احدی در نیاید در میان آنکه آموزید
شود و رحمت حق قریب گردد زیرا که حمدای تعالی فرموده که
هر که در آنکه در آید در میان من بوده باشد و بیک نظر کردن
بکوه سه تلافی گناهان می کند اگر چه بعد درین بیابان
و بیک درختان و کف دریا بوده باشد و هم در آن
آنکه فرمود که چون روز عرشه شود و خلق هر غایت
باشند در حمدای تعالی بر خلق قریب گردد و با آسمان
و سدازان درهای بهشت را بکشاید پس مباحات کند
حق سبحانه و تعالی جایان را بر ملائکه پس گوید ای ملائکه
به پیوند بندگان مرا که بعبادت من آمده اند و او را
و که آلوده روی او را راهبان و روی در آن باید آتش
من پس بد رستی که من به ایشانرا آموزیدم باز گردیدای بندگان
من که من شما آموزیده شدید و عفو کردم آنچه کرده بودید

خزوره ایستاده روی بجه کرد و گفت ای مکه نه برستی که
او بهتر است روی منی نزد حق سبحانه و تعالی و نیکوترین همه
شهرهای بنزد او اگر این شهر چنان مرا از تو پرورن می کرد
پس چون می رفتم ^{در} ^{مکه} ^و ^{نزد} ^{حق} ^{سبحانه} ^و ^{تعالی} ^و ^{نمود} ^{که} ^{نیکوترین}
روی زمین مکه است نزد خدای تعالی و تمام روی زمین را از
در مکه کشیده اند پس ازین سبب او را ام المکرمی نام نهاده اند
یعنی در شهرها و اول کوفتی که بر روی زمین پیدا شد
چون بوقیس بود و اول طایفه که طواف خانه کعبه کردند
مالک بودند پس از آدم بدو هزار سال هیچ نوشته
به خدای تعالی نداشتند بر زمین الا آنکه غسل کند در زمزم
و در آید بحرم مکه و طواف هفت گانه های آورد و در
پس مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت گذارد بعد
از دو بکاری که فرستادند و راوی ^{صلی الله علیه و آله}
علیه وسلم فرمود که هیچ پیغمبری از قوم خود نکرخت الا آنکه
در مکه آمد و خدای تعالی را عبادت می کرد تا وفات

صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که قبر حضرت نوح و هود و

صالح پنبجبر علیهم السلام واقعست در میان حجاز و مکه و مقام ایشان

علیه الصلوٰه و السلام و هم آنحضرت صلی الله علیه و آله فرموده که بر هر

تعبه قبر سیصد تن از انبیاء مهمل است علیهم السلام و در میان

دو کتب یا در جبال سود و قبر هشتاد تن از پیغمبر است که ایشان

از محنت کسب و شبش از عالم رفته اند و قبر حضرت اسماعیل و یونس

هاجر در زیر ناودان کعبه است و هم آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود

که در کس که در حج و عمره میرد او را عذاب نکند و گویند

در ای در بهشت غیر سرشت پنجاب در آید و هم آنحضرت صلی الله علیه و آله

فرمود که حضرت اسماعیل علیه السلام شکایت کرد از کرمائی

به پروردگار خود پس خدای تعالی وحی فرستاد که بدستی که

من بنشایم در ای در بهشت که هفتم من از آن در پرورد

آید تا دور قیامت که عثمان بن عفان رضی الله عنه با صحب

خود ملاقات کرد و گفت از من نمی پرسد که از کجائی

برسیدند که از کجائی ای ای المؤمنین گفت بهشت یعنی از زیر

هـ کرا خا هید شفاعت کیند تا شما چشم بدستی که من
ارحم الراحمین و همچو از رحمت من نا امید نگر شیطان و کفر
و عهد انصرت علی الله و تم نموده که هر کس کند عمر و
صفا و عرو به جای آرد احر زیده شود و فرشته دست
هر دو شاه او دهد و گوید که کار آید به باز بدستی که
گذشته را خدای تعالی بخشید و چنین گفته اند که هیچ کس از
ازین نیست بنده از عرفات برگردد و گوید هنوز گناه من
باقیت دارد و جزو رحمت که خدای تعالی در تمام عالم میدهد
نه و نیم جزو باهل که میفرستد و نیم جزو را تمام عدم و شرح
حسن بهری قدس سره العزیز میگوید که دهنار هزار دینار که
ساکن یک از ملک پرون نرود که اگر در راه که دو درم بهم رسد
بتر از هزار دینار جای دیگر و آستان بوسی

مکان دفع الشان را غنیمت دانید

و الله اعلم بالصواب

والله اعلم بالصواب

مجلس اول در بیان فضیلت این کتاب

